



قواره درست برای خصوصی سازی

پتروشیمی هنگام

اشتباه در چگونگی گذار از نظام برنامه ریزی متمرکز به نظم پایدار منجر به خطاهای بزرگ شد

امین کاوئی- روزنامه نگار در داستان پرفراز و نشیب خصوصی سازی در ایران، گویا «مالکیت» بار سفر بسته و از «کارایی» سبقت گرفته است. برخی اقتصاددانان هشدار می دهند، این سفر، بدون کاروان «رقابت» و در مسیر باتلاقی «اقتصاد کوچک»، به مقصد نخواهد رسید. به نظر می رسد یک نسخه پیشنهادی برای نجات که عجیب و وارونه هم به نظر می رسد، روی میز بوده است: اول اقتصاد را بزرگ کنید، بعد شرکت ها را واگذار! در همین راستا با **علی نصیری اقدم**، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگر این حوزه به گفت و گو نشستیم.

❖ دولتی سازی، رد دیون و خصوصی سازی هر کدام از چه زمانی در تاریخ اقتصاد ایران آغاز شد؟ خصوصی سازی بعد از ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ چگونه بود؟ چرا برخی شرکت های واگذار شده دچار مشکلاتی شدند و حتی دوباره به بخش دولتی برگشتند؟

بیان تاریخی دولتی سازی و خصوصی سازی در این مجال کوتاه ممکن است لطفی نداشته باشد و خوب است در جای دیگری به تفصیل درباره آن گفت و گو شود. اجازه دهید در اینجا کمی درباره رد دیون صحبت کنم. از نظر من رد دیون از برآیند دو جریان نامیمون در اقتصاد ایران شکل گرفت. یک جریان آن مربوط به بدهی های فزاینده دولت به دیگران و عدم پیش بینی ساز و کاری صحیح برای تسویه آنهاست که این فرآیند همچنان ادامه دارد. نتیجه این جریان این بود که دولت به تدریج برای تسویه بدهی های خود به انتقال دارایی های خود و از جمله سهام شرکت های دولتی روی آورد. آنچه دولت را در این مسیر مصمم کرد جریان دوم بود. منظوم از جریان دوم، موفقیت اندک در واگذاری شرکت های دولتی از مسیرهای پیش بینی شده در قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون

❖ آیا خصوصی سازی یک هدف است یا وسیله؟ به خصوص بعد از دهه ۱۹۸۰ و تضعیف جایگاه ایده های برنامه ریزی مرکزی تا فروپاشی شوروی، چرا خصوصی سازی در کشورهای مختلف پیگیری شد؟

خصوصی سازی ابزاری است که گاهی در گفتمان سازی، قانونگذاری و اجرا با هدف اشتباه گرفته شده است. بعد از شروع طوفانی روسیه برای خصوصی سازی و روشن شدن برخی معایب آن و البته توجه آن با درد زایمان، جمعی از اقتصاددانان تراز اول دنیا مثل کنث ارو و اینتیلیگیتور و دیگران نامه ای به بوریس یلتسین نوشتند و هشدار دادند که خصوصی سازی نباید به انتقال مالکیت از دولت به دیگران تقلیل یابد. از نظر ایشان، اگر بازار جوهری داشته باشد، این جوهر رقابت است که با انتقال مالکیت و کندن شرکت ها از دامن دولت به خودی خود ایجاد نمی شود. این یک خطای استراتژیک است که فکر کنیم با خصوصی سازی همه مواهب بازار حاصل می شود. گذار از نظام برنامه ریزی متمرکز به نظم بازار یک علم و درعین حال هنر است با جزئیات بسیار. هرگونه اشتباه در طراحی و نادیده گرفتن جزئیات منجر به خطاهای بزرگ می شود.